

ارمیا باب 9

- 1 ای کاش سرم چشمه پر آب،
و چشمهایم جویباری از اشک بود،
تا می توانستم روز و شب
برای قوم خودم که کشته شده اند، بگیریم.
- 2 کاش جایی در بیابان می داشتم
تا بتوانم از قوم خود دور باشم.
آنها همه بی وفا و خائن اند.
- 3 برای دروغگویی همیشه حاضرند،
ناراستی به جای راستی در این سرزمین حاکم است.
خداوند می گوید:
- «قوم من مرتکب شرارت می شوند و دیگر مرا به عنوان خدای خود قبول ندارند.»
- 4 همه باید از دوستان خود برحذر باشند،
و هیچکس به برادر خود اعتماد نکند،
چون تمام برادرها مثل یعقوب فریبکارند،
هرکس به دوست خود تهمت و افترا می زند،
5-6 آنها همه دوستان خود را گمراه می کنند،
و هیچکس حقیقت را نمی گوید.
آنها زبانهای خود را به دروغ عادت داده اند،
و نمی توانند دست از گناه بردارند.
خشونت های آنها یکی پس از دیگری و فریبکاریهای آنها پی در پی است.
خداوند می گوید که قوم خودش او را رد کرده اند
7 به همین خاطر، خداوند متعال می گوید:
«من قوم خود را مثل فلز پالایش می دهم،
و با سنگ محک آنها را خواهم آزمود.
قوم من مرتکب شرارت شده اند.
با آنها دیگر چه می توانم بکنم؟»
- 8 زبانهای آنها مثل تیرهای زهرآگین است،
و همیشه دروغ می گویند.
هرکس با همسایه خویش با زبان خوش سخن می گوید،

اما در حقیقت در فکر به دام انداختن اوست.
9 آیا من نباید آنها را برای این کارهایشان تنبیه کنم؟
آیا نباید از چنین ملتی انتقام بگیرم؟

من، خداوند چنین گفته‌ام.»

10 من گفتم: «برای آن کوهها در ماتم،

و برای آن چراگاهها گریان هستم،

چون همه آنها خشک شده‌اند

و دیگر کسی از آنجا گذر نمی‌کند.

دیگر صدای گله و رمه از آنجا شنیده نمی‌شود،

و حتی پرندگان و حیوانات هم از آنجا رفته‌اند.»

11 خداوند می‌گوید:

«من اورشلیم را به ویرانه‌ای، به جایی برای لانه شغالان تبدیل خواهم کرد.

و شهرهای یهودا به کویری تبدیل خواهد شد

که هیچ‌کس نمی‌تواند در آن زندگی کند.»

12 من گفتم: «ای خداوند، چرا این سرزمین مثل بیابان چنین ویران و خشک شده که کسی نمی‌تواند از

آن عبور کند؟ چه کسی می‌تواند این را درک کند؟ به چه کسی آن را گفته‌ای تا او بتواند به دیگران توضیح

بدهد؟»

13 خداوند در پاسخ گفت: «تمام این به‌خاطر آن است که قوم من از تعالیم من پیروی نکرده است. آنها

از من و از آنچه به آنها تعلیم دادم سرپیچی کرده‌اند. 14 در عوض آنها سرسختانه همان‌طور که نیاکانشان

آموختند، به پرستش بتهای بعل پرداختند. 15 پس گوش بده و بدان که من، خداوند متعال خدای اسرائیل،

چه خواهم کرد. من به قوم خودم گیاهان تلخ برای خوردن و سم برای نوشیدن خواهم داد. 16 من آنها را

به میان اقوامی خواهم فرستاد که نه خودشان و نه نیاکانشان درباره آنها چیزی شنیده‌اند. من همچنین

ارتش‌هایی برضد آنها خواهم فرستاد تا آنها را کاملاً نابود کنم.»

فریاد مردم اورشلیم برای کمک

17 خداوند متعال گفت:

«درباره آنچه روی می‌دهد بیندیشید!

سوگواران را دعوت کنید،

از زنان نوحه‌سرا بخواهید حاضر شوند.»

18 مردم در پاسخ گفتند:

«بگوئید عجله کنند و برای سوگواری ما آن‌قدر نوحه سرایی کنند،

تا چشمان ما از اشک پر

و مژگان ما از گریستن خیس شوند.»

19 به صدای گریه در صهیون گوش دهید:

«ما از بین رفته‌ایم

و کاملاً رسوا شده‌ایم!

باید از این سرزمین دور شویم.

خانه‌های ما ویران شده است.»

20 من گفتم:

«ای زنان به آنچه خداوند می‌گوید گوش دهید،

و به کلمات او توجه کنید.

به دختران خود سوگواری و به دوستان خود نوحه‌سرایی را بیاموزید.

21 مرگ از روزنه پنجره‌ها وارد کاخهای ما شده است،

کودکان را در کوچه‌ها و نوجوانان را در بازارها از بین می‌برد.

22 اجساد بی‌جان

– مثل توده‌های گود در مزارع،

و مانند خرمنی که درو کنندگان جا گذاشته و کسی آنها را جمع نکرده باشد–

در همه‌جا پراکنده هستند.

این است آنچه خداوند به من گفت که بگویم.»

23 خداوند می‌گوید:

«افراد دانا نباید به دانش خود ببالند،

و آدمهای قوی نباید به قدرت خود افتخار کنند،

و نه اشخاص ثروتمند به ثروت خویش.

24 اگر کسی می‌خواهد به چیزی ببالد،

باید به این ببالد که مرا می‌شناسد،

چون محبت من پایدار است

و آنچه را راست و درست است، انجام می‌دهم.

این چیزهایی است که مرا خشنود می‌سازند.

من خداوند چنین گفته‌ام.»

25-26 خداوند می‌گوید: «زمانی می‌رسد که من مردم مصر، یهودا، آدوم، عمون، موآب و ساکنان صحرا

را که موهای خود را کوتاه می‌کنند، مجازات خواهم کرد. تمام اینها ختنه شده‌اند، ولی پیمانی را که ختنه

فقط نشانه آن است، نگاه نداشته‌اند. هیچ‌کس از این مردم و هیچ‌یک از قوم اسرائیل پیمان مرا رعایت

نکرده‌اند.»